

# کلام جدید

## ترم اول

مفاهیم معرفتی، بنیادی و مبنایی کلام جدید

جلسه هفتم: انتظارات بشر از دین - بخش چهارم

مدرس: استاد احسان عبادی - پژوهش گر و مدرس مباحث کلام جدید

تایپ و ویراستاری: محمد جواد اسماعیلی

تاریخ شروع دوره: ۱۴۰۰/۰۱/۰۲

■ بحث انتظار بشر از دین از دیدگاه متفکران غربی - بخش اول

■ دیدگاه گالیله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ  
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَغَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقیه الله فی ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت  
حجّة بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او  
فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

## بحث انتظار بشر از دین از دیدگاه متفکران غربی

کلّیت بحث انتظار بشر از دین در اروپا و غرب را جلسه قبل خدمت شما توضیح دادیم. حالا می خواهیم وارد نظرات  
خود غربی ها را جب مباحث انتظارات بشر از دین شویم و نظرشان را نقد کنیم. این طور استدلالی و قوی و متقن بار  
خواهیم آمد که می توانیم نظریات یک فرد را رد کنیم. این که فلانی گالیله است و من نظر او را رد کنم چیز عجیبی  
نیست چون گالیله معصوم نبود. فهم فقهای ما از امثال گالیله خیلی بالاتر بود. کسانی مانند آیت الله بروجردی،  
شهید صدر و امام نابغه علمی بودند و نباید تنها سیاسی نگاه کرد. گاهی نظریات این افراد امروز در حوزه های  
علمیه نقد می شوند.

باید استدلال و شیوه های آن را یاد بگیریم. با مطالعه این مباحث و کتب دیگر می توانیم استدلالی صحبت کنیم.  
برای مثال کتاب مکاسب شیخ انصاری کتابی فوق العاده استدلالی است. شیخ انصاری دیدگاهی را ارائه می کند و  
شما لذت خواهید برد وقتی این نظریه را مطالعه می کنید. شیخ انصاری دوباره همین نظریه شماره یک را به صورت  
زیبایی رد می کند و آن را به نظریه شماره دو استدلال می کند. دوباره همین نظریه شماره دو را هم با استدلال رد  
می کند و وارد نظریه شماره سه و چهار می شود. ذهن با تایید و رد کردن با دلیل، استدلالی بار خواهد آمد. کتب  
شهید مطهری در مباحث استدلالی فوق العاده است. در این جا نظرات غربی ها را مطالعه می کنیم و شیوه های  
استدلال را متوجه خواهید شد. انصافا علم منطق هم نیاز است. از کتاب علم منطق استاد مظفر آغاز کنید. از  
صوت ها هم می توانید آغاز کنید. مثلا صوت های استاد فرهانی در بحث علم منطق بسیار زیباست. ما سعی می کنیم  
در این مباحث کلیات را آموزش دهیم.

## دیدگاه گالیله



گالیله در قرن شانزدهم به دنیا آمد و در قرن هفدهم از دنیا رفت. ریاضی‌دان، منجم و فیزیک‌دان بود. گالیله مذهب کاتولیک داشت و به کتاب مسیحیت هم اعتقاد داشت، اما تعارض و چالش‌هایی را بین کتاب مقدس و علم مشاهده کرد. از این منظر می‌خواست تعارض بین علم جدید و کتاب مقدس را حل کند. به همین جهت قلمرو انتظارات بشر از دین را از منظر خودش مطرح کرد. برای حل تعارض چند راه پیشنهاد کرد:

نظر گالیله بر این بود که قوانین طبیعتی که امروز وجود دارد و در نظام طبیعت قوانینی ساری و جاری است و همین خدایی که این‌طور طبیعت را ایجاد کرد، همین خدا است که کتاب مقدس را فرستاد. یعنی منشاء این دو یکی است. جهان و کتاب مقدس را خدا خلق کرد پس نباید این‌ها با همدیگر تعارض داشته باشند. سپس آقای گالیله می‌گوید: به نظر من در بحث از مسائل فیزیکی، ما باید بنای کارمان را نه بر اعتبار نصوص مقدس بلکه بر تجارب حسّی و برهان‌های ضروری بگذاریم، زیرا هم آیات مقدس و هم آیات طبیعت هر دو کلمه‌الله هستند.

در پاسخ باید گفت: آقای گالیله! شما که می‌گویید هر دو کلمه‌الله هستند پس چرا در مباحث طبیعت و مباحث علمی مبنای خودتان را فقط مشاهدات و تجربیات می‌گذارید؟ چرا مباحث دینی را کنار گذاشتید و از هر دو استفاده نکردید؟

جالب است خود گالیله می‌گوید: ما می‌توانیم از طبیعت نکات خوبی در بیاوریم. گالیله می‌گوید: اگر کسی در تفسیر کتاب همیشه افکار خود را حصر در معنای لغوی ساده کلمه کند ممکن است دچار خطا شود (یعنی این‌که فقط کتاب مقدس را در دستتان بگیرید و فقط کلمات را معنی کنید تا بفهمید) بدین طریق ممکن است در کتاب مقدس نه تنها تناقضات و مطالب دور از حقیقت بروز کند بلکه احتمالاً بدعت‌گذاری‌های شدیدی هم پدید خواهد آمد.

این سخن گالیله درست است. شما اگر بخواهید قرآن را هم کلمه به کلمه معنا کنید تناقض پیش خواهد آمد. از طرفی می‌گویید لیس کمثله شیء، یعنی چیزی مثل خدا نیست و از طرف دیگر می‌گویید یدالله یعنی خدا دست دارد.

گالیله در ادامه مثال می‌زند و می‌گوید: لازم است که به خداوند دست و پا و چشم و عواطف جسمانی مثل خشم و پشیمانی و امثالهم را نسبت دهیم. اما اگر بنا را بر این بگذاریم که استنباط‌های فیزیکی و علمی ما که در حقیقت به ثبوت رسیده لازم نیست با عبارات کتاب مقدس تطبیق داده شود، بلکه باید کتاب مقدس را با قضیه علمی تفسیر کنید.

یعنی شما وقتی قضیه فیزیکی را اثبات کردید نیازی نیست ببینید که با دین و کتاب مقدس سازگار است، بلکه کتاب مقدس را با قضیه علمی اثبات شده تطبیق دهید. اصولاً ما می‌گوییم قرآن مرجع است و هر وقت حدیثی مشاهده کردید و شک افتادید که حدیث درست است یا خیر، به قرآن عرضه کنید. گالیله دقیقاً خلاف آن را می‌گوید. گالیله می‌گوید کتاب مقدس را به علم عرضه کنید. از طریق علم کتاب مقدس را درک کنید.



راه حل دیگر گالیله برای تعارض علم و دین این است که قلمرو دین و قلمرو علم از هم تفکیک شود. کتاب مقدس فقط برای یک سری معارف معنوی است و مباحث علمی هم شامل علم است. پس شما انتظار نداشته باشید در کتاب مقدس مطالب علمی و عقلی ببینید.

جالب است گالیله در ادامه می‌گوید: به گمان من هیچ یک از حکمای الهی نخواهند گفت که علوم هندسه و ستاره‌شناسی و موسیقی و پزشکی در کتاب مقدس به طرز عالی‌تری از کتاب‌های ارشمیدوس و بطلمیوس و جالینوس بیان شده است.

یعنی مثلاً آیا کسی در انجیل گفته که مباحث فیزیک و شیمی بهتر از مباحث کتب ارشمیدوس گفته شده است؟ خیر. می‌گوید از کتاب دینی مبحث علمی انتظار نداشته باشید. کتاب دینی را با علم تطبیق دهید.

پس در نتیجه عقاید گالیله این شد که دین معارف معنوی است و کار علمی ندارد. اگر هم مطالب علمی را در کتاب مقدس ببینید اتفاقی بوده است وگرنه نه این که کتاب مقدس یک کتاب علمی باشد. از آن طرف هم طبیعت ما،

علوم طبیعی و فیزیکی ما و هم کتاب مقدس همه از خداست، اما هر جایی کتاب مقدس را بد متوجه شدید از طریق علم آن را حل کنید. علم مبنا و مرجع شماست.

نقد نظریات گالیله:

جناب آقای گالیله! مطلبی که شما گفتید که بین مسیحیت و علم تعارض پیدا کردید و می‌خواهید مشکل را حل کنید مشکل شما مسیحیان است و ارتباطی به ما مسلمانان ندارد. آیا این امر برای همه ادیان قابل جمع است؟ مسیحیت شما تحریف شده است و خودتان ادعا دارید این کتاب حواریون بعدها از حضرت عیسی نوشتند. خودتان اعتقاد دارید کتاب مقدس تحریف شده است و حال برای آن نسخه‌ای می‌پیچید. این نسخه برای مسلمان کاربردی ندارد چون کتاب ما قرآن تناقضی با علم ندارد. شما باید مطالب تورات و انجیل خودتان را تصحیح کنید و ارتباطی به بقیه ادیان ندارد. وقتی می‌خواهید مسیحیت و اسلام را نقد کنید باید هر دو را بشناسید تا هر دو را نقد کنید. دوستان اگر مباحث هرمنوتیک را دنبال کرده باشید گفتیم چرا غربی‌ها به هرمنوتیک و تفسیر کتاب مقدس روی آوردند، چون در کتاب مقدس کلی مطلب غیرعلمی و مضحکی وجود داشت. مطالبی که خلاف قاعده بود. به همین جهت هرمنوتیک را ارائه دادند.

نکته دوم: آقای گالیله! شما گفتید کتاب مقدس و هم علوم طبیعی و فیزیکی هر دو از خداست و هر جایی مشکل پیدا کردید کتاب مقدس را به طبیعت و علم روز تطبیق دهید و بر مبنای علم تفسیر کنید. آقای گالیله! چرا بنای شما اعتبار کتاب مقدس نباشد؟ شاید آن چیزی که از نظر علمی شما به آن رسیدید نادرست باشد. دلیل آن چیست؟

نکته سوم: فلاسفه غرب به این نکته تاکید دارند که نسبیت در علوم یعنی عدم قطعیت در علم وجود دارد. آقای گالیله! شما می‌خواهید مباحث دینی را بر اساس یک چیز نسبی تفسیر کنید؟ یعنی من موضوع دینی را با علم تطبیق دهم و در آینده علم روز غلط از آب درآمد. آیا می‌خواهید کتاب مقدس را طور دیگری تفسیر کنید؟ این که بدتر از تعارض علم و دین شد. این طور شما تفسیر ثابتی از کتاب مقدس ندارید. چون شما در غرب این نظریه را قبول دارید که علم نسبی است و ما هم بپذیریم که برخی نظریات علمی نسبی است. ممکن است در آینده کسی نظریات نیوتن و انیشتین را رد کند و ایرادی هم ندارد. اگر نسبی است کتاب مقدس هم زیر سوال می‌رود.

نکته چهارم: برخی از عبارات کتاب مقدس گفتید اگر کلمه به کلمه معنا کنیم اشکال ایجاد می‌شود پس باید به علم و علوم فیزیکی رجوع کنیم تا تفسیر به رای نشود. آقای گالیله! این راه حل که بدتر شد. ممکن است من از نظر علمی به چیزی برسم که کتاب مقدس را به این طریق تفسیر کنم و شما به چیز دیگری برسید و طور دیگری تفسیر کنید. اصلاً برخی امور بدیهی است. این که خدا دست و پا ندارد عقلانی اثبات می‌شود. خدایی که بخواهد شبیه بشر باشد کاربردی ندارد. این‌ها از بدیهیات است. این امر با عقل اثبات می‌شود و نیازی نیست با علم روز آن را تطبیق دهید.



پس انتظاراتی که آقای گالیله از دین دارد انتظاراتی حداقلی است. چون کتاب معنوی است و چیزی از علم در داخل آن نیست و انتظار حداقلی از دین دارد.

پس ما نظرات گالیله را گفتیم و نقد کردیم. شیوه‌های استدلال را یاد بگیرید. مثلاً اکنون متوجه بحث نسبیت علوم در غرب شدید. این مطالب برای ما کاربرد خواهد داشت و می‌توانید در مناظره با خود غربی‌ها از این مطالب استفاده کنید. مبنای فلسفه غرب بر اساس نسبیت است. شما اگر کتاب فلسفه اسلامی را باز کنید ابتدای کار علماً می‌خواهند چیزی را اثبات کنند و آن بدیهی بودن وجود است. الوجود بدیهی لا حد له. وجود بدیهی است و حد و رسمی ندارد. حد و رسم برای تعریف است. یعنی کاملاً بدیهی است و تمام شد. عقل هم اثبات می‌کند که من خودم دیگر به وجود خودم ایمان دارم و وجود چیز بدیهی است. مبنای فلسفه غرب مشکل دارد. پس باید مطالب را مبنایی یاد بگیریم.

انشالله جلسه بعد راجب نظرات آقای کانت بحث خواهیم کرد که از خدایان فلسفه غرب است. نظر مارکس، دورکیم، ماکسی وبر، شلایرماخر و دیدگاه بزرگان غربی را توضیح خواهیم داد و نقد خواهیم کرد.